بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[فرض اول در دزدی میوه 2](#_Toc425164288)

[فرض دوم و سوم در مسئله 2](#_Toc425164289)

[مرور بحث 2](#_Toc425164290)

[آراء در این مسئله 3](#_Toc425164291)

[روایات در این باب 3](#_Toc425164292)

[جمع‌بندی صور 4](#_Toc425164293)

[دلیل استثناء قاعده حرز 4](#_Toc425164294)

[نتیجه‌گیری 7](#_Toc425164295)

# فرض اول در دزدی میوه

بعد از بیان شرایط ثبوت حد قطع به مسائلی پرداختند که به ترتیب این مسائل را متعرض شدیم. می‌رسیم به مسئله یازدهم طبق ترتیب تحریر، همان‌طور استحضار دارید ترتیب ما همان ترتیب حضرت امام است. مسئله یازدهم متنش را می‌خوانیم و بعد وارد بحث می‌شویم. مسئله یازده این است که دزدی از میوه‌ها و ثمنات درختان است. فرض اول این است که میوه‌ای از درخت چیده شده و در جایی نگهداری می‌شود و حرز دارد. یعنی جایی محافظت می‌شود.

اینجا می‌فرمایند وقتی این‌ها را چیدند، میوه‌ها را در سردخانه‌ای، در جایی، در اتاقی آن را حفظ می‌کنند، اگر کسی دزدید، مثل بقیه موارد اگر به حد نصاب رسیده باشد و حرز داشته باشد، حد ثابت است. این در صورتی است که چیده شده باشد.

# فرض دوم و سوم در مسئله

فرض دوم این است میوه‌ها چیده نشده باشد و هنوز متصل به درخت باشد. ادامه‌اش این است؛ اگر میوه‌ها روی درخت است و درخت مفرد نیست، در باغ بسته‌ای نیست، درخت‌هایی است که یا دیواری ندارد یا اگر دیوار دارد از آن باغ‌هایی است که درها باز است. به‌طورکلی باغ ندارد مثل پسته و امثال این‌ها یا اگر باغ دارد، باغ‌هایی است که حرز ندارد. اینجا می‌فرمایند؛ قطع نمی‌شود. و اما صورت سوم این است که؛ میوه‌هایی است در باغی که قفل دارد، در و بست دارد، حساب‌وکتاب دارد، که احوط و اقوی عدم قطع است. این مسئله‌ای است که اینجا مطرح شده است.

# مرور بحث

سه صورت به این ترتیب است. صورت اولی آنجایی است که میوه چیده شده را بدزدد. میوه‌ای که از درخت چیده شده و در جایی در حرز هم هست، آن دزدیده است. این محل بحث نیست، دلیلی، روایتی خاصی نداریم. طبق قواعد، تکلیف اینجا روشن است. میوه‌ای است که این میوه چیده شده مثل سایر اموال اشخاص اگر در حرز باشد، حد ثابت است، اگر در حرز نباشد، حد ثابت نیست.

## آراء در این مسئله

این فرع اول و صورت اولی است که بحث ندارد. میوه وقتی چیده شده مثل کتاب است، مثل پول است، مثل هر مال دیگری است. اگر شرایط سرقت در آن جمع باشد، آنجا حد ثابت است. یکی از آن حرز است. اگر بچینند، در سردخانه‌ای، اتاقی، جایی مخصوص نگهداری می‌شود و به حد نصاب هم رسیده، و حرز است، این جا حد ثابت است، والا حد ثابت نیست. البته می‌دانید، ضمان مال کار به شرایط ندارند، کسی مال کسی را برداشت، ضامن است، ولو اینکه شرایط ثبوت حد نداشته باشد. این میوه‌ای چیده شده، صورت اولی است، بحثی ندارد. صورت دوم این است که میوه‌ای که هنوز روی درخت است و از درخت چیده نشده است، ولی در درختانی است که حرز ندارد.

این هم صورت دوم است که میوه‌ای است که هنوز چیده نشده و روی درخت است و درختانی است که در بیابان و صحرا است و حرزی ندارد، دیواری، قفلی چیزی ندارد، مثل خیلی جاها، مثلاً پسته همین وضع را دارد، برخی درختان دیگری که گرچه صاحب دارد، و حفاظت از آن می‌کند، می‌آید، می‌رود، اما این‌طور نیست که قفل داشته باشد و امثال این‌ها. باغی باشد این‌جور نیست. این هم چون در حرز نیست، قطع ید و حد ندارد. فقط ضمان مال دارد. این هم صورت ثانیه است که بحثی ندارد. این دو صورت هیچ بحثی بین فقها نیست، اتفاق‌نظر است. اما صورت ثالثه که محل اختلاف است این است، که میوه درختی که روی درخت است، و این درخت هم در نقطه امنی و حفاظت‌شده‌ای است، در باغی است که درش قفل می‌شود و قفل و بست دارد. کسی می‌رود وارد باغ می‌شود، از میوه درخت می‌دزدد، خرما است، پسته است، یا هر چیز دیگری، درختانی که در حرز هستند و میوه هنوز دارد. کسی می‌رود میوه درخت را از باغ بر می‌دارد. این محل اختلاف است.

## روایات در این باب

**قال السید الإمام قدس سره: «لا إشکال فی ثبوت القطع فی أثمار الأشجار بعد قطفها و حرزها، لا فی عدم القطع إذا کانت علی الأشجار إن لم تکن الأشجار محرزة، و أمّا إذا کانت محرزة، کأن کانت فی بستان مقفل فهل یقطع بسرقة ثمرتها أو لا؟ الأحوط بل الأقوی عدم القطع.»[[1]](#footnote-1)**

موضوع این مسئله؛ دزدی از میوه‌ها و ثمنات درختان است. فرض اول، این است که؛ میوه‌ای، از درخت چیده شده و در جایی نگهداری می‌شود و حرز دارد؛ یعنی، جایی محافظت می‌شود. اینجا می‌فرمایند؛ وقتی این‌ها را چیدند، و به جایی برای حفاظت بردند، اگر کسی دزدید، مثل بقیه موارد، اگر به حد نصاب رسیده باشد و حرز داشته باشد، حد ثابت است. این در صورتی است که چیده شده باشد.

## جمع‌بندی صور

و اما صورت سوم این است که؛ از میوه درخت که محرزه است، احوط، عدم القطع است. در اینجا، صوری مطرح است؛ صورت اولی، آنجایی است که؛ میوه‌ای که، از درخت چیده شده و در جایی در حرز هم هست، دزدیده است. این، محل بحث نیست، دلیلی، روایتی خاصی نداریم. طبق قواعد، تکلیف اینجا روشن است؛ میوه‌ای است که چیده شده؛ اگر، مثل سایر اموال اشخاص، در حرز باشد، حد ثابت است، اگر در حرز نباشد، حد ثابت نیست.

صورت دوم، این است که؛ میوه‌ای که هنوز روی درخت است و از درخت، چیده نشده است، ولی روی درختانی است که حرز ندارد. این هم، صورتی است که بحثی ندارد. در این دو صورت، بین فقها، اتفاق‌نظر است.

اما صورت ثالثه، که محل اختلاف است، این است که؛ میوه‌ای که، روی درخت است و درخت هم، در نقطه امن و حفاظت‌شده‌ای است، مثلاً، در باغی است که، درش قفل می‌شود.

طبق قاعده، اگر روایات و ادله خاصی نداشتیم، در اینجا، قطع ثابت است. این، نظر اول است. نظر دوم، این است که؛ اینجا، بر آن قاعده کلی، تبصره‌ای زده خواهد شد؛ و استثناء از سابق است. این نظر، نظر حضرت امام (ره)، در تحریر الوسیله و جناب آقای فاضل است.

### دلیل استثناء قاعده حرز

باید ببینیم، دلیل این نظریه دوم چیست؟

**قَالَ: «قَضَی النَّبِی ص فِیمَنْ سَرَقَ الثِّمَارَ فِی کمِّهِ فَمَا أَکلَ مِنْهُ فَلَا شَی‌ءَ عَلَیهِ وَ مَا حَمَلَ فَیعَزَّرُ وَ یغَرَّمُ قِیمَتَهُ مَرَّتَینِ.» [[2]](#footnote-2)**

سند این روایت، دچار مشکل است، و بعید به نظر می‌رسد که؛ بشود به طریق گفته شده سابق، آن را تصحیح کرد، از طرفی نیز، این روایت، دلالتش بالاطلاق است، بالصراحه نیست، گفته شده؛ یعزر، مطلقاً؛ چه این میوه، در حرز باشد، چه نباشد.

اما بحث، الان آنجایی است که؛ میوه درختی که در باغ است، بر می‌دارد و حرز دارد.

در این روایت، فرموده شده؛ یعزر، گاهی به معنای حد، به کار می‌رود، منتها، قرینه می‌خواهد. اصل در تعزیر، همان مجازاتی است که، به حد نیست و به اختیار حاکم و قاضی است.

ثمر را در لغت، این‌گونه معنا کرده‌اند؛ میوه‌ای است که، چیده نشده است. ثمر دو معنا دارد؛ گاهی به معنای مطلق و عام به کار رفته می‌شود؛ به معنای میوه، و گاهی، به معنای میوه چیده نشده است که، هنوز روی درخت است. «کثر» هم، خرمایی است که، چیده نشده است، معنای اصلی آن، این است.

**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص «لَا قَطْعَ فِی ثَمَرٍ وَ لَا کثَرٍ»[[3]](#footnote-3)**

دلیل بعد، همین حدیث چهارم است. این روایت، دو سند دارد، اما یک سندش ضعیف است، و آن، سندی که محمد بن حسن باسناده عن احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن سنان عن حماد بن عثمان که حماد بن عثمان، از امام صادق نقل می‌کند. در این سند، محمد بن سنان قرار دارد، عبد الله بن سنان، ثقه است، ولی محمد بن سنان، بنابر قول مشهور و قول صحیح، ثقه نیست.

محمد بن سنان، روایاتی که در شأن او وارد شده، دو دسته است و تعارض دارد. و لذا، محمد بن سنان را، معمولاً موثق نمی‌دانند. بنابراین، سند اول این روایت، به خاطر وجود محمد بن سنان، در سلسله حدیث، قابل‌اعتماد نیست. و اما سند دوم، این‌گونه است که؛ محمد بن حسن باسناده عن احمد بن محمد بن عیسی عن خلف بن حماد عن ربعیه بن عبد الله عن الفضیل بن یسار عن ابی عبد الله، این سند، معتبر است.

بنابراین، آن دو سه سند، که تا به حال داشتیم، همه، یک مشکلی داشت. اما این روایت، دارای دو سند است که؛ یکی ضعیف است، ولی دیگری، دارای سند خوبی است، حتی صحیحه است؛ یعنی همه، از امامی و ثقه و عدول هستند.

روایات در مورد محمد بن سنان، تعارض می‌کنند، وقتی تعارض کردند، این شخص، بی توثیق می‌شود.

او از امام صادق (ع)، نقل شده است که؛

**عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَخَذَ الرَّجُلُ مِنَ النَّخْلِ وَ الزَّرْعِ قَبْلَ أَنْ یصْرَمَ فَلَیسَ عَلَیهِ قَطْعٌ فَإِذَا صُرِمَ النَّخْلُ وَ أَخَذَ وَ حُصِدَ الزَّرْعُ فَأَخَذَ قُطِعَ.[[4]](#footnote-4)**

؛ اگر کسی از درخت خرما و زرع و کشاورزی، چیزی را دزدید، قبل از اینکه چیده بشود، درحالی‌که این گندم‌ها، هنوز درو نشده است، یا خرماها، چیده نشده است؛ در اینجا، قطع نیست.

بنابراین، این روایت نیز، اطلاق دارد، اعم از اینکه؛ این درخت، در حرز باشد یا در حرز نباشد. اما، بعد از اینکه درو کردند یا میوه‌ها را چیدند، آنجا، قطع ثابت می‌شود.

**عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع قَالَ: «لَا یقْطَعُ مَنْ سَرَقَ شَیئاً مِنَ الْفَاکهَةِ وَ إِذَا مَرَّ بِهَا فَلْیأْکلْ وَ لَا یفْسِدْ.»[[5]](#footnote-5)**

در اینجا نیز، اطلاق وجود دارد، اما، این روایت، از نظر سندی، مشکل خیلی جدی دارد. درحالی‌که اگر، کسی ابتدائاً این را ببیند، متوجه آن نمی‌شود.

در اینجا، ابی جمیله که مفضل بن صالح است، از اصبغ بن نباته، نقل کرده است. این ابی جمیله مفضل بن صالح، از اصحاب امام رضا (ع) و امام صادق (ع) است. و اصبغ بن نباته، تابعی و از اصحاب امیر المومنین (ع) است، این وسط، صد سال افتادگی داریم. بخشی از آن، افتاده و مقطوعه است.

پس، ابی جمیله، نمی‌تواند از اصبغ بن نباته نقل کند و لذا قطعاً، افرادی در میانه این سند، افتادگی دارند و لذا به این روایت، نمی‌شود اعتماد کرد، سنداً مشکل دارد.

روایتی دیگر نیز، از حضرت امیر المومنین (ع) است که دقیقاً، مانند روایت امام صادق (ع) از پیغمبر (ص) است و احتمالاً، آنی که امام صادق (ع) از پیغمبر (ص) نقل کرده، از همین وصیت پیغمبر (ص) و امیر المومنین (ع) بوده است. بنابراین احتمالاً، روایت ششم با سوم، یک روایت باشد. این هم، به اطلاقش می‌گوید؛ چیدن میوه، حد ندارد. به اطلاقش می‌گوید؛ حتی اگر در حرز باشد.

## نتیجه‌گیری

پس، بیان شد که؛ که اگر میوه‌ای، از درخت چیده بشود و در حرز باشد، دو قول، وجود دارد. یک قول این است که؛ چون حرز است، قطع ید دارد.

که عده زیادی، این را می‌گویند، از جمله صاحب جواهر، تمایل به این قول دارد و آقای تبریزی و آقای خوانساری هم، همین را می‌فرمایند. قول دوم این بود که؛ اینجا، استثنائاً ولو در حرز باشد، قطع ید نیست. مستند قول دوم، که خلاف قواعد بود، روایات سابق بود.

این روایات، می‌تواند تبصره‌ای، به این قاعده کلی بزند، بگوید؛ نه، میوه درخت، ولو در حرز باشد، قطع ید ندارد. فقط تعزیر و ضمان مالی دارد.

باید دید؛ این پنج روایت، و توان این را دارد که؛ آن قاعده کلی را، تخصیص بزند؟ قاعده، آیه سرقت بود و روایات هم، مانند آیه قائل است؛ وقتی در حرز باشد، قطع ید دارد، این قاعده کلی است. اما این روایات، می‌گوید؛ میوه استثنا است. اشکالاتی، به استدلال به روایت، وجود دارد؛ یک اشکال که مرحوم صاحب جواهر، به آن اشاره‌ای کردند، این است که؛ این روایات، ضعیف است و به این روایات ضعاف، نمی‌شود تمسک کرد. اما، این اشکال، جوابش واضح است؛ چراکه، برای ما در این روایات، دو مورد، معتبر بود. در سندی، محمد بن سنان بود، او هرچند ضعیف است، ولی سند دومی، داریم که این سند دوم، ضعف و اشکالی ندارد و رجالش، همه معتبر هستند.

بنابراین، اشکال اول صاحب جواهر، که می‌گوید؛ این روایات، ضعیف است، دو جواب دارد؛ یک جوابش، این است که؛ حداقل یکی از این‌ها، روی همه مبانی، صحیح است، بقیه هم اختلافی است.

جواب دوم، این است که؛ این روایات، با توجه به اینکه، پنج شش روایت هستند، اگر هیچ‌کدام، صحیحه قطعی نباشد، می‌توانند مصداقی، برای قاعده درع، قرار گیرند؛ حد نسبت به دزدی میوه، ولو در حرز باشد، به استناد این روایات، ولو ضعیف باشند، موجب شبهه‌ای، در کار می‌شود.

اشکال دوم، این است که؛ قرینه داخلی، در روایت وجود دارد که، ظهور پیدا می‌کند؛ روایت، در برداشتن میوه‌هایی است که، در حرز نیست. این اشکال هم، جوابش این است که؛ اولاً حق ماره، مخصوص آنجایی است که؛ در حرز نباشد، خیلی‌ها نیز، قائل‌اند؛ حق ماره، مربوط به آنجایی که حرز باشد هم، می‌شود. ثانیاً، این یک روایت است که، قرینه دارد، بقیه روایات، این قرینه را ندارد.

اشکال سومی است که، می‌گوید؛ بحث ما این است که، برود میوه را، از باغ بچیند، درحالی‌که در حرز باشد. در اینجا، گفته می‌شود؛ قطع ید نیست، این روایات، به صراحت این را نگفته، بلکه، به اطلاق گفته است. و این اطلاق، تخصیص می‌خورد به روایاتی، که می‌گوید؛ با دزدی، زمانی حد، در آن جاری است که، در حرز باشد. پس، روایاتی که می‌گوید؛ اگر در حرز باشد، قطع ید می‌شود، مخصص می‌شود و این روایت را، قید می‌زند.

1. السرقة علی ضوء القرآن و السنة؛ ص: 180 [↑](#footnote-ref-1)
2. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 230 [↑](#footnote-ref-2)
3. من لا یحضره الفقیه؛ ج 4، ص: 62 [↑](#footnote-ref-3)
4. تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 130 [↑](#footnote-ref-4)
5. تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 130 [↑](#footnote-ref-5)